

علی اکبر جلیوند

تاریخچه و ماجراهای جواهرات

سلطنتی ایران از اوایل صفویه تا بامروز

- ۴ -

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در جلد سوم کتاب تاریخ منتظم ناصری ضمن وقایع سال ۱۲۶۹ قمری مینویسد .
«زرگری اسلامبولی در دارالخلافة در کمال خوبی کار میکند و یک قطعه جیقه فرنگی ساز حسب الامر ساخته که نهایت ممتاز و پنجاه هزار تومان تمام شده است»

و مجدداً در ضمن وقایع همان سال نگاشته است.
«زرگر اسلامبولی اپلت «سردوشی» گرانبهائی که حسب الامر از جواهر خزانه مبارک ساخته و در عید غدیر در چمن سلطانیه بحضور مبارک برده مورد تحسین شد و اهل خبره آنرا بیست و پنج هزار تومان قیمت کردند»
«لرد کرزن که در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه موفق بدیدار تالار موزه شده است در کتاب ایران راجع به کره مرصعی که بدستور ناصرالدینشاه از جواهرات پیاده خزانه ساخته است مینویسد :

«... این کره را بامر ناصرالدینشاه ساخته اند خود کره از زر ناب است و هفتاد و پنج پوند وزن دارد و ۵۱۳۶۶ تکه جواهرهای گوناگون بوزن ۳۶۵۶ گرم در ساختن آن بکار برده اند که تخمیناً یک میلیون لیره میارزد و بقدری نگینهای قیمتی آن درخشنده است که چشم رامیزند و پیدا کردن اماکن جغرافیائی

را مشکل میسازد. در این کره مرصع دریاها از زمره آفریقا از یاقوت سرخ هندوستان از یاقوت کبود ایران از فیروزه و انگلستان و فرانسه از الماس طرح شده است...»

و همچنین لرد مزبور در توضیح شرفیابی خود بحضور ناصرالدینشاه مینویسد که نشان شیر و خورشید شاه ساخت هنرمندان پاریس بوده. مرحوم عبدالله مستوفی راجع بساختن کره مرصع فوق الذکر چنین مینویسد:

«از یکی از پیشخدمتهای ناصرالدینشاه شنیدم که ولیمهد مظفرالدین میرزا سفری بطهران آمده بود روزی بخدمت شاه رسید شاه کمره ای که از جواهر ساخته بود به پسر خود نشان داد و در ضمن باو گفت: امسال ما مبلغی از جمع و خرج کشور علاوه داشتیم مقداری جواهر پیاده و طلا هم از خزانه بیرون آورده با آن پول و این جواهر این کره را ساخته ایم...»

برای اینکه بدرجه علاقمندی ناصرالدینشاه به حفظ و نگاهداری جواهرات سلطنتی واقف شویم اینک شرحی را که مرحوم عبدالله مستوفی در کتاب خود نوشته و مؤید این موضوع است عیناً نقل مینماید:

«... یکی از پیشخدمتهای شاه میگوید روزی در حمام که معمولاً شاه صبحانه خود را در آنجا صرف میکرد شرفیاب بودم مشغول لباس پوشیدن بودم در آنروز میخواست الماس دریای نور را جلوه کلاه خود نصب نماید. در ضمن عمل جواهر گرانبها از دستش رها شده روی کاشیها افتاد شاه با اضطراب عجیبی خم شده آنها برداشت و با دقت تمام در آن نظر افکند همینکه از سلامت آن مطمئن شد بسجده افتاد وقتی سر بلند کرد بچند نفری که حاضر بودیم گفت شکر من برای جنبه مالی این جواهر نبود بلکه برای این بود که اگر این قطعه نفیس عیبی میکرد در تواریخ می نوشتند نادرشاه این جواهر را از هندوستان آورد و ناصرالدینشاه آن را شکست یا میبوس کرد...»

طرز و ترتیب نگاهداری و محافظت جواهرات سلطنتی

در دوران قاجاریه و زمان استبداد

در موقعیکه آقا محمد خان در خراسان بجواهرات نادری دست یافت

۱۲۱۰ قمری، آنها را بانضمام طلاها و جواهر و نفایس دیگری که قبلا جمع- آوری کرده بود در عمارات اندرونی ارك طهران در زیر کلید و مهر و موم خود با دقت کامل حفظ میکرد و تا پایان عمر خود با ولئی زیاد با آنها میافزود چنانکه بعد از خود علاوه بر جواهرات و اشیاء ذقیمت و نفیس خزانه سرشاری از زر و سیم برای وارث و جانشین خویش با باخان فتحعلیشاه، بجای گذاشت. آقا محمدخان در مسافرتهای خود مراقبت و مواظبت خزائن خویش را به میرزا محمدخان قاجار دولو بیگلربیگی طهران که از سران محترم قاجار و مورد اطمینان و اعتماد وی بود میسپرد. در تاریخ عضدی تألیف سلطان احمد میرزا عضدالدوله یکی از پسرهای فتحعلیشاه نوشته شده است که آقا محمدخان در آخرین سفر جنگی خود که منجر به کشته شدنش گردید در موقع حرکت از طهران کمافی السابق حفاظت و سیانت شهر و ارك و همچنین خزاین خود را به بیگلربیگی مزبور وا گذاشت و بعد از رسیدن خبر کشته شدن آقا محمد خان بطهران محمدخان بیگلربیگی طبق دستور قبلی که از شاه قاجار دریافت کرده بود دروازه های طهران را بسته و از ورود امراء و سپاهیان و رجالی که بعد از قتل آقا محمد خان چه از شوشی و چه از نقاط دیگر بطرف پایتخت میامدند ممانعت کرد و بحفظ و حراست ارك و شهر و قلعه داری مشغول شد تا اینکه فتحعلیشاه بطهران وارد گردید.

در مدتی که طهران بوسیله محمدخان دولو حفاظت میشد چون داعیه سلطنت علیقلی خان برادر آقا محمدخان و صادقخان شقاقی در بین بود برای مخارج محافظت شهر و امر قلعه داری و هزینه سپاهیان از خزانه مسكوك آقا محمدخان مبالغی با اطلاع و نظارت و دستور مهدعلیای اول مادر فتحعلیشاه برداشته و بمصارف لازمه میرسانید و پولی که از خزانه برای این مقصود بیرون میامد شبها بیرون میاوردند و حامل وجه خود میرزا محمدخان بیگلربیگی و سه نفر دیگر از معتمدین و محارم او بودند و همچنین در تاریخ عضدی ذکر شده که مهدعلیا اجازه نداد از خزانه مخصوص که يك كرور زرد رانجا بود وجهی برداشته شود چون نذر کرده بود که اگر پسرش با باخان بسلطنت برسد طلاي خزانه نامبرده را بمصارف خیریه برساند و مساجدی که فتحعلیشاه در بلاد

مختلف ایران بنا نهاده که همه باسم مسجدشاه یا جامع سلطانی معروف است مانند مسجدشاه طهران و همچنین ضریح نقره و گنبد طلای کربلای معلی و گنبد طلای کاظمین (ع) و حضرت معصومه (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) و درهای نقره بعضی اماکن مشرفه و مدارس و سایر آثار خیر که در ارض اقدس بنا شده و مسجد نیمه تمام همدان از محل این يك كروړ طلا بمصرف رسید .

بعد از استقرار فتحعلیشاه بسطنت خزانه جواهرات و مسكوك طلا و نقره موجود در اندرون زیر کلید شاه و سپرده به مهدعلیا مادر شاه بود . در تاریخ عضدی نوشته شده که مهدعلیا علاوه بر ریاست حرم امور خزانه را هم تحت نظر مستقیم خود داشت و هر چه از خزانه خارج یا بخزانه وارد میشد تحت نظر مهدعلیا بود ، و در دفاتر منظمی ثبت میشد و عده از میرزاهای زنانه و کنیزان متعلق بسندوقخانه در تحت نظر او امر ثبت دفاتر مربوطه را بعهدہ داشتند که از جمله میرزا مریم از اولاد میرزا صالح طهرانی مستوفیه خزانه بود و چند نفر میرزای زنانه منشی و محرر او محسوب میشدند و بدون اطلاع مهدعلیا و بدون ثبت در دفاتر مربوطه چیزی از خزانه خارج و یا بخزانه داخل نمیکردید .

بعد از مرگ مهدعلیا اداره حرم و سندوقخانه و سرپرستی در امر ثبت و ضبط دفاتر خزانه به یکی از حواری مورد اعتماد مهدعلیای مرحومه سپرده شد و ملقب بسندوقدار گردید و چون مورد اطمینان و درست کار بوده و در کار خود وارد و مطلع و بصیر در شناختن و حتی تقویم جواهرات بود و بخوبی از عهده کارهای حرم و خزانه بر میآمد فتحعلیشاه او را بلقب خازن الدوله ملقب کرده و بعقد خود در آورد و بدین ترتیب نظم و قاعده و قراری که در زمان حیات مهدعلیا راجع بخزانه و اداره حرم برقرار بود بدست خازن الدوله به نهج سابق ادامه داشت و مستوفیه سندوقخانه و خزانه بمعیت میرزاها و محررین زنانه مانند گذشته به نگاهداری دفاتر و ثبت صورت و سیاه آنها مشغول بودند .

فتحعلیشاه با علاقه فوق العاده ای که بجمع آوری ثروت داشت در زمان حیات خود بر موجودی خزانه از جواهر و مسكوك طلا و نقره افزود و هدایای

پرارزشی که از طرف سلاطین جهت وی ارسال میگردید و همچنین پیشکشی - هائی که بوسیله حکام و شاهزادگان و رجال ایران از جواهر و نفایس میرسید بـموجودی خزانه اضافه میشد و چون همگان بمعلاقه اونست بجواهرات و پول مسبوق بودند . رجال و بزرگان مملکت برای جلب نظر و محبت شاه از تقدیم هدایای پرارزش کوتاهی نمیکردند بخصوص که شاه مزبور نیز خود همیشه از آنان بمنابین مختلف مطالبه میکرد .

تفصیل تقدیم پنج رشته تسبیح مروارید و زمرد و همچنین مقداری جواهر پرارزش پیاده و سواره از طرف مهدیقلی خان دولو حاکم استرآباد که از پیر مردان طایفه قاجار بوده و در کتاب تاریخ عضدی بآن اشاره شده است یا پرداخت دستمزد و مخارج ساختن تخت طاوس از طرف صدراعصفهانی مؤید این مطلب است .

چون شاه مذکور علاقه زیادی داشت که دستگاه مفصل و پرتجملی داشته باشد اشیاء و ظروف و ادوات جنگی مرصع بسیاری بدست هنرمندان ماهر ایران مخصوصاً در اصفهان بدستور اوساخته شد که از آنجمله تخت طاوس و تخت دوپله مرصع سابق الذکر و بسیاری تنگ و قلیان و شمعدان و آفتابه لکن و ظروف غذا و ادوات جنگی مرصع و سایر اشیاء زینتی و تجملی است که امروزه هر یک شاهکاری از هنر ایران آن زمان بشمار میرود .

بعد از مرگ فتحعلیشاه در اصفهان «پنجشنبه ۱۹ جمادی الثانی ۱۲۵۰ قمری» یکی از فرزندان علی خان ملقب به ظل السلطان که حاکم تهران بود و خزاین موجود در تهران و حرم و شاهزادگان سپرده بوی بود بفکر سلطنت افتاد و در ۱۴ رجب ۱۲۵۰ در قصر نکارستان بنام علیشاه به تخت نشست و در مراسم تاجگذاری به تقلید از فتحعلیشاه از بازوبندهای دریای نور و تاجماه و کمر و شمشیر و خنجر و خفتان مرصع و سایر ائانه سلطنت که از اصفهان به تهران حمل و در این موقع بوسیله علینقی میرزا رکن الدوله باو تسلیم شده بود استفاده کرد و در مدت چهل روز سلطنت اسمی خویش از مسکوکات طلا و نقره خزانه فتحعلیشاه که ظرف چهل سال سلطنت خود برانداخته های آقا محمدخان افزوده بود میلیتی متجاوز از هفتصد هزار تومان برای جلب

حمایت بزرگان و امرای مقیم تهران و شاهزادگان بذل و بخشش نمود که در اثر همین اسراف و تبذیر بمقایسه با عادلشاه برادرزاده نادر او را هم عادلشاه خواندند .

موضوع تعجب آور اینست که در همان ایام که ظل السلطان مشغول تفریط خزانه بود در دستگاه محمد میرزا ولیعهد فرزند عباس میرزا نایب السلطنه که در اثر حسن تدبیر و اقدامات عاقلانه میرزا ابوالقاسم قائم مقام برای بدست آوردن تاج و تخت بعد از جلوس در تبریز (۷ رجب ۱۲۵۰) بطرف تهران حرکت میکرد حتمی باندازه ای خرج مسافرت از تبریز به تهران پول یافت نمیشد و قائم مقام مجبور شد سی هزار تومان از نماینده دولت انگلیس مقیم تبریز قرض کرده در تهران بپردازد خوشبختانه از مالیات ها و پیشکش هایی که بوسیله بعضی از حکام ایران در عرض راه رسید قائم مقام در قزوین قرض مزبور را مسترد داشت و کفایت و لیاقت قائم مقام بر خزانه سرشار فتحعلیشاه و بذل و بخشش ظل السلطان فایق آمد .

بعد از استقرار محمد علیشاه بسلطنت و جلوس مفصل در تهران (۱۴ رمضان ۱۲۵۰) خزانه بهمان نهج سابق اداره میشد و برای جواهرات ثبت و دفترهای مرتب سابق وجود داشت و آنچه از جواهرات و نفایس در سلطنت چند روزه علیشاه ظل السلطان از خزانه خارج شده بود بموجب صورت و سیاهه دستگاه خازن الدوله اکثراً پس گرفته شد و حتی بعضی جواهر و اشیاء ذیقیمت که در دست برخی از سوگلی ها و فرزندان فتحعلیشاه بود بخزانه برگشت داده شد که از آن جمله جواهرات پرارزشی بود که خاقان مغفور به تاج الدوله هدیه کرده بود .

ناصرالدینشاه که بعد از پدرش محمد شاه بسلطنت رسید نسبت بحفظ و ازدیاد جواهرات همانطور که قبلاً گفته شد علاقمندی بیشتری ابراز میداشت و در ثبت و سیاهه دفاتر و فردهای خزانه و صندوقخانه مراقبت کاملی مبذول میکردانید .

شاه مزبور بعد از مراجعت از سفر اولش باروفا و دیدن موزه های ممالک غرب بفکر تشکیل موزه افتاد و تالار موزه را در قصر گلستان بنا نمود

(درس سال ۱۲۹۳ قمری) و مقداری از جواهرات و اشیاء نفیس و تاریخی خزانه را از خزانه اندرون خارج کرده و در جعبه آینه‌های تالار موزه قرارداد و برای این نقل و انتقالات هم ثبت منظمی ترتیب داد.

لرد کرزن در بازدید خود از تالار موزه راجع به قسمتی از جواهرات سلطنتی که در تالار مزبور مشاهده کرده است چنین مینویسد :

«بهر حال در اطراف اطاق جعبه آینه‌های عالی کار گذاشته‌اند و پشت آن خرمن خرمن جواهرات پیاده تراشیده و نقراشیده روپهم توده شده است . در میان جعبه آینه‌ها جعبه آینه مروارید غلطان چشم بیننده را خیره میکند - شمشیر امیر تیمور - شمشیر شاه اسمعیل - شمشیر آقا محمد خان - زره شاه عباس که بطرز شگفتی بجواهر نفیسه مرصع هستند از نفایس عمده این موزه است . تاجهای صفویه - تاج فتحعلیشاه - تاج سلام نوروز - جقه محمد شاه - قلیانهای جواهر نشان - خنجرهای مرصع - ظروف بسیار زیبای طلا و نقره با نگین‌های بسیار عالی - سردوشهای الماس - انقیه دانه‌های مرصع - تابلوهای نقاشی - کاشی‌های معرق که از هر جواهری زیباتر است و بسیاری از شاهکارهای نفیس ساخته دست طبیعت و انسان در زیر سقف این بنا ریخته است »

کرزن همچنین از دستکارهای عاج و تابلوهای استاد ابوالحسن خان غفاری «صنیع الملک» به تحسین و شگفتی یاد میکند . و الماس مشهور دریای نور و یاقوت معروف اورنگ‌زبیبی و انگشتر اهدائی ژرژ چهارم به فتحعلیشاه نیز از اشیائی است که او را دچار اعجاب میسازد .

همچنین از بازدیدی که از عمارت شمس‌العماره کرده اشیاء نفیس بسیاری مانند نساجی‌های گرانبهای گوبلن مصور به تصویر و نوس اهدائی لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه به محمد شاه و ساعت بزرگ طاوسی با اشکال متحرک و بسیار نفایس دیگر جلب دقت و تحسین وی را نموده و مفصل درباره آنها نوشته است . از نویسندگان اخیر ایرانی مرحوم عبدالله مستوفی مقدار مرواریدهای ریز و درشت موجود در زمان ناصرالدینشاه را هشتاد من مینویسد و قسمتی از آنها را منتسب به مرواریدهای خیمه نادری میدانند .

علاوه بر هدایای سلاطین و بزرگان خارجی درباره پیشگمی‌هایی که

رجال ایران تقدیم ناصرالدینشاه مینموده‌اند و در خزانه نگاهداری میشد . مرحوم اعتمادالسلطنه از انگشتری فیروزه محصول معادن نیشابور اسم میبرد که میرزا محمدخان قوام الدوله در خراسان بمبلغ یکصد و چهل تومان خریده و در اواسط سلطنت ناصرالدینشاه بوی تقدیم کرده است و در اواخر سلطنت شاه مزبور قیمت انگشتری مذکور را پانزده هزار تومان تخمین مینمودند که با در نظر گرفتن ارزش پول و کم بها بودن فیروزه بخصوص در آن زمان بایستی سنگه نامبرده در نوع خود بی نظیر بوده باشد . و همچنین باز مرحوم اعتماد السلطنه ۱۶ از قداره مرصع پیشکشی میرزا علی اصغر خان اتابک بنا ناصرالدینشاه یاد میکند که بدست هنرمندان طهران ساخته شده و چهل هزار تومان در آن زمان «قریب هشتاد سال قبل» ارزش داشته است .

بعد از ناصرالدینشاه تا پایان دوره استبداد وضع نگاهداری وثبت جواهرات کم و بیش بهمان نحو سابق ادامه داشت ولی اهتمام و مراقبتی که ناصرالدینشاه درباره حفظ آنها مبذول میداشت بدبختانه در زمان سلطنت مظفرالدینشاه و محمد علیشاه مراعات نمیگردید .

دستبردی که بوسیله کتابدار مظفرالدینشاه بکتابخانه سلطنتی در زمان سلطنت شاه مزبور شده و همچنین بعضی از جواهرات و نفایس و کتب ذیقیمتی که بعد از استقرار مشروطیت در اثر پافشاری و کلای مجلس شورای ملی و آزادیخواهان از اطرافیان مظفرالدینشاه و محمد علیشاه پس گرفته شد مؤید عدم توجه و مراقبت لازم در این خصوص بخصوص در اواخر دوره استبداد میباشد .

۱۶- روزنامه خاطرات محمد حسن خان اعتماد السلطنه

ترتیب نگاهداری جواهرات سلطنتی در دوران مشروطیت

بعد از خلع محمد علی شاه از سلطنت و تشکیل هیئت مدیره «حکومت موقتی» در تاریخ ۱۹ رجب ۱۳۲۷ قمری هیئت مدیره تصمیم گرفت که جواهرات را بابت‌های موجود تطبیق و بررسی نماید و این عمل تحت نظارت و سرپرستی حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری و سپهبد ارتناک‌بختی و حسینقلی خان نواب وعده دیگر از امانای دولت وقت انجام شد و جواهرات را بابت‌ها و فدها

موجود تطبیق و صورت و سیاهه کامل و جامع و دقیقی مشتمل بر ۱۶۸ فرد تنظیم و در دفاتری بطرز منظم و صحیح ثبت گردید و عین جواهرات در صندوقخانه سر بهر درخزانه اندرون عمارت خوابگاه ضبط و دوباب درهای داخل آن در همان موقع بمهر هیئت مأمور بررسی جواهرات مهیور و جلو درخزانه هم از نظر اطمینان بیشتر با گچ و آجر تیغه و سفید شد .

در سال ۱۳۰۸ شمسی دولت در نظر گرفت که جواهرات سلطنتی ارزیابی شود برای این منظورهیئتی از جواهر شناسان خیره کمپانی بوشرون پاریس معرفی شدند که تحت نظر کمیسیون جواهرات را ارزیابی نمایند ولی برای ارزیابی طبق نظر کارشناسان مزبور از نظر رعایت اصول فنی تصمیم گرفته شد که جواهرات از روی قطعات و پارچه‌ها پیاده شود که بهتر بتوانند ارزیابی نمایند و بهمین ترتیب هم عمل شد . بالنتیجه چون از نظر ظاهر در شکل جواهرات تغییری داده شده بود دیگر با صورت های قبلی تطبیق نمیکرد لذا آنرا طبقه بندی کرده و با مشخصات و خصوصیات ترتیب داده شده در دفتر منظم ثبت و تطبیق آنها را با فردهای سال ۱۳۲۷ قمری تصدیق و کلیه جواهرات در صندوقهای محکم جا داده شد و مهیوراً در خزانه اندرون عمارت خوابگاه کمافی السابق محفوظ گردید و بدین ترتیب از این تاریخ جواهرات مزبور دارای دفاتر منظم و مرتب جدیدی گردید .

در سال ۱۳۱۶ شمسی جواهرات سلطنتی بر عایت قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته بود مجدداً معاینه و بازدید قسمتی «سی و سه صندوق» به بانك ملی ایران جهت پشتوانه اسکناس منتقل گردید و قسمتی هم که بیشتر جنبه تاریخی داشتند در کاخ گلستان در تالار موزه در قفسه‌های محکم و صندوقهای نسوز ضبط شدند . در سال ۱۳۲۰ شمسی جواهرات موجود در اطاق موزه کاخ گلستان پس از تطبیق با صورتهای قبلی در پنج صندوق و یک بسته و یک جعبه سر بهمراز کاخ گلستان به بانك ملی منتقل شد و درخزانه ملی ضبط گردید .

بالاخره از چند سال قبل که در بانك مرکزی اطاق بزرگی بنام موزه جواهرات سلطنتی با رعایت اسلوب فنی بنا شده است جواهرات و اشیاء نفیس و پر ارزش تاریخی مزبور را در آنجا طبق اصول صحیح به بهترین وجهی

۱۷- در تنظیم فصل مربوط به ترتیب نگاهداری جواهرات سلطنتی در دوران مشروطیت از گذارش آقای قانع بصیری رئیس اداره اموال دولتی و بیوتات سلطنتی که در سال ۱۳۲۰ شمسی به مجلس شورای ملی تقدیم داشته به نقل از کتاب «تاریخ پیدایش مشروطیت» ان «تألیف آقای محمد حسن ادیب‌هروی خراسانی استفاده شده است.

نگاهداری و محافظت نموده و در معرض تماشا گذاشته‌اند .
 امروزه این جواهرات و نفایس که قسمتی از جواهرات نادری و قسمتی از جواهرات و نفایس صفویه و ادوار قبل از نادر و مقداری از تحف و هدایای سلاطین و بزرگان خارجی و قسمتی هم از تقدیمی‌های داخلی است و طی قرون متمادی جمع‌آوری گردیده و اکثراً بدست هنرمندان ایرانی ساخته شده است یکی از گرانبها ترین و بهترین مجموعه‌های نفیس و بی نظیر هنری و تاریخی دنیا را تشکیل میدهد.

خوشبختانه تصمیمی که ابتدا محمد علی‌شاه در زمان استبداد صغیر و بعداً در اوائل مشروطیت ۱۳۳۰ قمری از طرف دولت وقت برای فروش جواهرات سلطنتی «از نقطه نظر مضیقہ مالی» گرفته شده بود عملی نگردید و سرمایه داران خارجی و دول همسایه که برای یغمای این ثروت بی نظیر دندان تیز کرده بودند موفق نشدند این نفایس نایاب را از تصرف ملت ایران خارج نمایند والا امروزه هر یک از این قطعات مشهور و تاریخی بیکی از خزائن و موزه‌های دول بیگانه یا کلکسیون‌های اشخاص متمول دنیا تعلق داشت همانطور که فرشهای بی‌مثال زمان صفویه و کتب خطی و مصور و مذهب و نسخه‌های منحصر بفرد و سایر اشیاء ذقیمت هنری که در طول قرون از زیر دست هنرمندان چیره دست ایرانی درآمده بودند و هر یک در نوع خود جواهری شاهوار محسوب میشدند و همچنین بسیاری از اشیاء عتیقه و باستانی ایران که معرف تمدن کهن ما بشمار می‌روند سالها است از ایران خارج شده و در موزه‌های دولتی و مجموعه‌های شخصی علاقمندان و پروتمندان دنیا متفرق گردیده‌اند .
 متأسفانه هنوز هم خروج اشیاء ثرازش و کم نظیر تاریخی و هنری و باستانی ایران بوسیله عده‌ای طماع و سودجو کم و بیش ادامه دارد. امیداست با توجهی که امروزه دولت و مردم ممکت با آثار باستانی و هنری و تاریخی زاد و بوم خویش دارند و وقوفی که بارزش معنوی و مادی آنها پیدا کرده‌اند باعث گردد که در حفظ و احیاء آثار قدیمی و ممانعت از خروج اشیاء نفیس هنری و تاریخی مملکت علاقه بیشتری ابراز گردد . انشاء الله